

نامه‌ی زینب بایزیدی از زندان

تروریست کیست؟!

تغییر برای برابری: در عصر حاضر که بحث بر سر جهانی شدن و حقوق بشر بیشترین توجه افراد، گروه‌ها و رسانه‌ها را به خود معطوف داشته است. در عصری که بیش از هر زمان دیگری مرزها و موانع میان ملل و فرهنگ‌های مختلف در حال از بین رفتن است و ابزارهای ارتباطی مدرن شهروندان جهانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. بهترین این شهروندان آنانی هستند که بیشترین احساس مسئولیت را در برابر هم‌نوعان خود دارند و برای رفع بحران‌های بشری در گوشه و کنار جهان می‌کوشند.

آن‌گونه که پیداست امروزه زندگی افراد بشر طوری به هم پیوند خورده است که بی‌توجهی نسبت به آن‌چه در جهان پیرامونت و در رابطه با دیگر انسان‌ها می‌گذرد نوعی بی‌تفاوتی به خود و خانواده بشری محسوب می‌گردد. اما در بسیاری از موارد دیده می‌شود که هنوز با گروه‌هایی از جامعه‌ی بشری رفتارهای غیرانسانی صورت می‌گیرد. از آن جمله برخوردهای دول سرکوبگر با ملت کرد است.

کرد بودن و ابراز وجود کردن با این نام و مطالبه‌ی حقوق ابتدایی و انسانی از سوی این مردم تاوانی سنگین خواهد داشت. تاوانی که توسط حاکمیت بر مردم و فعالان کرد تحمیل می‌گردد. اما با این وجود سالیان درازیست که این خلق ضمن تحمل رنج‌ها و مرارت‌های بسیار در راه برخورداری از حقوق خویش با مبنا قرار دادن اصل نخست منشور جهانی حقوق بشر مبارزه کرده و می‌کند.

اکنون با گذار از مرحله‌ی سخت برده داری و فئودالیسم، بشر با وجود معضلات خاص سرمایه داری تجاربی به دست آورده است و در کنار این تجارب وسایل ارتباط جمعی و امکان برقراری راحت و سریع ارتباط بین انسان‌ها و نیز وجود نهادهای بشردوست و گسترش و تقویت جامعه‌ی مدنی تا حدودی امکان انعکاس صدای طبقه‌ی زیردست را فراهم آورده و توانسته‌اند که صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و موفقیت‌هایی را کسب نمایند. هر چند این موفقیت‌ها بیش‌تر از آن‌که در میان کشورهای جهان سوم بروز یابد در سطح کشورهای پیش‌رفته به چشم می‌آید.

در ایران سال‌هاست مردم برای رسیدن به دموکراسی تلاش می‌کنند و طی چند سال اخیر شاهد شکل‌گیری و رشد جامعه‌ی مدنی بوده‌ایم. کردها نیز همواره سعی در مطرح ساختن خواسته‌های انسانی خود داشته‌اند و در راه مبارزه برای کسب حقوق خویش متحمل هزینه‌های گشته و بهای آن را نیز پرداخته‌اند. بهایی به قیمت خوردن برچسب‌هایی چون تجزیه طلب، تروریست و محارب و در نتیجه دریافت حکم حبس‌های طولی‌المدت و حتی اعدام.

حق و حقوق طبیعی کردها به آن‌ها داده نمی‌شود و در مقام شهروند درجه‌ی دو به حساب می‌آیند. همیشه به کردها با دیدی امنیتی نگریسته شده و به بدترین شکل ممکن سرکوب شده‌اند و تلاش‌های آنان برای ایجاد دوستی و گسترش همکاری و سعی در از بین بردن چالش‌ها با واکنش منفی مواجه شده است. برخوردهای شدید با فعالان کرد به خوبی نمایان‌گر این واقعیت است.

کنشی که از سوی فعالان در سراسر ایران انجام می‌گیرد و فعالیت مدنی خوانده می‌شود به کردستان که می‌رسد انگ تروریستی می‌خورد. کوشش‌های حقوق بشری که جزو افتخارات انسانی محسوب می‌گردد و از تلاش‌گران این عرصه حمایت و تقدیر می‌شود، متأسفانه در ایران مورد بی‌حرمتی قرار می‌گیرد و با نسبت دادن اتهامات واهی از فعالیت‌شان جلوگیری به عمل می‌آید. مگر آن‌که این کوشش‌ها در چهارچوب مشخص شده و در خدمت منافع ایشان قرار گیرد که در این صورت ماهیت حقیقی و انسانی خود را از دست می‌دهد. به عنوان نمونه می‌توان به حکم ده سال زندان برای محمدصدیق کبودوند رئیس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان که به عنوان پدر حقوق بشر در کردستان شناخته می‌شود اشاره کرد و نیز برخوردهای صورت گرفته با دیگر فعالان این سازمان.

کردها حتی اگر در فعالیت‌های سراسری و مشترک با فارس‌ها و آذری‌ها و... برای رسیده به اهداف مشترک انسانی شرکت کنند و در اجتماعات پایتخت نیز حضور یابند باز هم آشوبگر خوانده می‌شوند. برای مثال فعالیت زنان کرد در حوزه‌های زنان و همراه با دیگر زنان آزادی‌خواه در ایران برای تغییر قوانین تبعیض آمیز و متعهد ساختن دولت به اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی در ایران، که باز در این‌جا همان اتهامات محاربه و تروریست برای فعالان کرد در حوزه زنان مطرح می‌شود و برای آنان احکام سنگین صادر می‌گردد. همه‌ی این موارد و بسیاری موارد دیگر در ایران جرم قلمداد می‌شود و به کردستان که می‌رسد این جرم‌ها سنگین‌تر خواهد شد تا آن‌جا که حتی فعالیت‌های مدنی نیز به تجزیه طلبی و تروریستی تعبیر می‌گردد، در حالی که مبارزات زنان و مردان کرد تنها در راستای رفع تبعیض جدای از نژاد و ملت و مذهب بوده است. حال خطاب به وجدان‌های بیدار می‌پرسم به راستی تروریست کیست؟ کسانی که مایه‌ی ترس و وحشت در بین مردم هستند یا کسانی که از حقوق طبیعی خود و مردم‌شان دفاع می‌کنند؟

آیا تلاش برای اجرایی کردن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر عملی تروریستی‌ست؟!

آیا تلاش برای پایان دادن به جنگ و خونریزی عملی تروریستی‌ست؟!

آیا تلاش برای ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی عملی تروریستی‌ست؟!

آیا تلاش برای رفع تبعیض میان زنان و مردان عملی تروریستی‌ست؟!

اگر همه‌ی این‌ها در کنار عشق ورزیدن به انسانیت و میل به آزاد زیستن عملی تروریستی خوانده می‌شود، پس چه باک از خوردن انگ تروریست و تحمل حبس در کنار روناک‌ها و حتی اعدام شدن با فرزادها و دیگرانی که جرم‌شان تنها طلب حقوق انسانی و حق آزاد زیستن است.